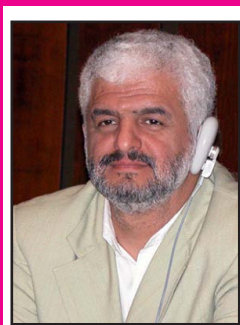




عادل جلیلی، رئیس مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، تهران، ایران
پست الکترونیک: Jalili@rifr-ac.ir



مصطفی جعفری، سرمؤلف ارزیابی جهانی تغییر اقلیم (IPCC)، برنده مشترک جایزه صلح نوبل در سال ۲۰۰۷ میلادی، عضو هیئت علمی و مشاور تغییر اقلیم، مجری تدوین استراتژیک برنامه کلان تحقیقات تغییر اقلیم
پست الکترونیک: mostafafafari@rifr-ac.ir

ضرورت توجه به مزیت‌های نسبی کشور در تولید ثروت و ایجاد اشتغال

رویکرد تولید ثروت و ایجاد اشتغال متکی بر ظرفیت‌های غیروابسته به زمین، آب و منابع طبیعی از دغدغه‌های امروزی نظریه‌پردازان و برنامه‌ریزان توسعه پایدار است که متأسفانه در ایران این رویکرد در تمامی برنامه‌های پنج‌ساله توسعه یا به‌درستی در نظر گرفته نشده است و یا اراده‌ای برای عملیاتی شدن آن نبوده است. تأکید بیشتر بر توسعه با محوریت استفاده از منابع طبیعی کشور به موازات افزایش جمعیت، محیط‌زیست کشور را دچار بحران کرده و اثرات پدیده تغییر اقلیم نیز این بحران را تشدید می‌کند. بنابراین اتخاذ راهبردی مناسب در برنامه‌های توسعه و در پیگیری اهداف عمده آن در تولید ثروت و ایجاد اشتغال در راستای کاهش فشار بر عرصه‌های طبیعی کشور، امری اجتناب‌ناپذیر است.

سهم زیاد بخش کشاورزی در تولید ناخالص ملی و اشتغال‌زایی با اینکه نشان از تلاش و ظرفیت این بخش از اقتصاد دارد، اما در اقتصاد توسعه یافته و پایدار شاخص خوبی نیست و این به‌علت عملکرد ضعیف سایر بخش‌ها به‌ویژه صنعت و خدمات است.

در ایران که در کمربند خشک کره زمین قرار دارد و اثرات تخریبی تغییر اقلیم در آن نسبت به سایر نقاط کره زمین دوچندان است، تولید ثروت و ایجاد اشتغال متکی بر زمین و آب به‌هیچ وجه منطقی، عقلانی و عملی نمی‌باشد. واکنش محیط‌زیست کشور در ایجاد بحران‌هایی چون ریزگردها، بحران آب و خشک‌شدن تالاب‌ها و رودخانه‌ها و زوال اکوسیستم‌ها گواهی بر این مدعا است. با شناسایی و فعال کردن آن بخش از اقتصاد که مزیت نسبی کشور محسوب می‌شود، می‌توان فشار وارد بر طبیعت و محیط‌زیست کشور را کاهش داد و حفاظت و احیاء آن را مدیریت کرد.

فعال‌سازی اقتصاد نرم‌افزاری و صنایع پیشرو، به‌رسمیت شناختن ظرفیت بازار بزرگ مصرفی ۸۰ میلیونی داخل کشور، اقتصاد گردشگری و از همه بالاتر موضوع ترانزیت کالا و مسافر از جمله این مزیت‌هاست که متکی بر ظرفیت نیروی انسانی جوان و تحصیل‌کرده کشور بوده تا با استفاده از سرمایه‌گذاری‌های ملی و بین‌المللی بتوان آنها را در خدمت اقتصاد ملی قرار داد. اگر هر کدام از این مزیت‌ها به‌طور متمرکز و با همگرایی عمده توانمندی‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و امنیتی کشور مورد توجه قرار گیرد، به‌سرعت آثار اقتصادی آن در تولید ثروت و اشتغال‌زایی نمایان خواهد شد و از سوی دیگر زمینه را برای احیاء و ساماندهی محیط‌های طبیعی کشور به‌وجود خواهد آورد. در شماره‌های آینده مزیت‌های نسبی اشاره شده بیشتر مورد بحث و بررسی قرار خواهند گرفت.

ضرورت تدوین برنامه استراتژیک تغییر اقلیم در ایران

تدوین برنامه‌های راهبردی در هر زمینه میزان اهمیت آن موضوعات را در کشور معین می‌کند. در برنامه راهبردی، هدف و نقش تعیین‌کننده موضوع راهبردی مورد بحث در کلان کشور و اثرگذاری و اثرپذیری آن با سایر بخش‌ها تبیین می‌شود. در سطح ملی، ممکن است در برنامه استراتژیک مورد تأیید ارکان نظام، به اعتقاد آنها، همه جزئیات قابلیت عمومی‌سازی نداشته باشد یا شاید هم بتوان محتوای آن را در اختیار عموم جامعه قرار داد، اما به هر صورت جایگاه برنامه راهبردی تغییر اقلیم و ارتباط ساختاری آن با برنامه کلان باید مشخص شود. جایگاه تغییر اقلیم در کشور کجاست؟ سؤال این نیست که کدام دستگاه و سازمان وظیفه پرداختن به این مهم را دارد. تغییر اقلیم موضوعی است که همه بخش‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و باید در جهت پرداختن به آن نیز همه بخش‌ها با ایفای نقشی روشن مشارکت کنند. بخش‌های فنی، اجرایی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بر اساس ضرورت باید به‌نحوی اقدام کنند تا بتوان با جامعیت به اهداف مورد نظر دست یافت.

در برنامه استراتژیک تغییر اقلیم، آشکارسازی تغییرات اقلیمی واقع شده، میزان اثرگذاری و اثرپذیری این تغییرات در هر بخش به‌ویژه بخش‌های مهم و کلیدی از قبیل انرژی و آب، راهکارهای اصلی کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و اثرات آن، روش‌های کلان و عملی در سازگاری با تغییرات احتمالی در آینده و همچنین سهم هر بخش باید به روشنی و شفافیت لازم به شکل قابل اجرا بودن، معین شود. تصویری که ما از مسئله تغییر اقلیم به‌عنوان یک مسئله صرفاً محیط‌زیستی داریم (اگرچه به‌طور قطع و یقین محیط‌زیست بیشترین لطمه را در پی این تغییرات تحمل می‌کند) تصویری اشتباه است. متولی این امر نظام حاکم بر کشور است. اگرچه می‌تواند نقش پی‌گیری و هماهنگی از طرف سه قوه به دولت واگذار شود. سؤال اینجاست که اکنون قوای مقتنه و قضاییه به چه میزان دغدغه تغییرات اقلیمی در کشور، منطقه و جهان را دارند؟ ایران به‌عنوان کشوری نفتی و با عضویت در اپک آماج بیشترین حملات مباحث تغییرات اقلیمی اعم از تبادلات تجاری منابع تولید انرژی یا کنترل انتشار گازهای گلخانه‌ای است. از آنجا که کشور ما روی نوار خشک و نیمه‌خشک کره زمین قرار دارد، نوسانات آبی، خشکسالی‌ها یا وقوع سیلاب‌ها منشاء بسیاری از بحران‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی خواهد بود. در شرایط فعلی بعضی از اقدامات صورت گرفته که با وجود کافی نبودن قابل تشکر و قدردانی است. البته باید از آن تجربیات برای ساماندهی امر مهم «تدوین برنامه استراتژیک تغییر اقلیم در ایران» بهره گرفت. به‌طور مثال در سازمان محیط‌زیست هماهنگی تهیه و تدوین گزارشات ملی دوره‌ای برای ارائه به دبیرخانه کنوانسیون تغییر اقلیم از حدود دو دهه قبل با مشارکت سازمان‌های مختلف کشور در دستور کار بوده و تدوین سومین گزارش ملی در دست اقدام است که نتایج ارزشمندی را می‌توان از آن انتظار داشت. یا از حدود دو سال قبل تدوین پنج برنامه کلان استراتژیک در ارتباط با تحقیقات کشاورزی با محوریت سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی در وزارت جهاد کشاورزی مورد توجه قرار گرفته که به‌عنوان مبنا و روش قابل قبول در تئوری و عمل می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. این پنج برنامه کلان که هر کدام مجری مستقل و تیم کاری متخصص مجزایی دارند شامل موضوعات «امنیت غذایی»، «تنوع زیستی»، «منابع طبیعی و آب و خاک»، «مدیریت اقتصادی-اجتماعی» و «تغییر اقلیم» هستند.

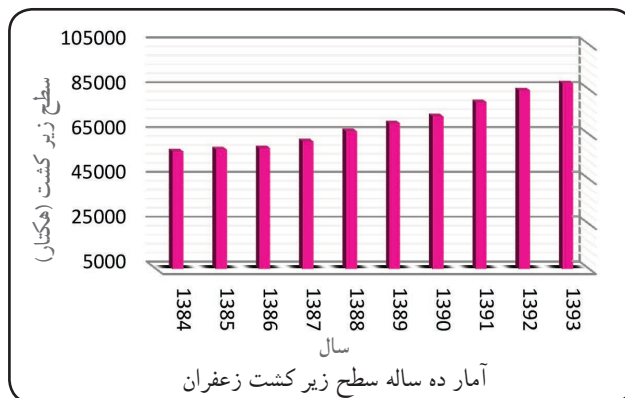


فاطمه سفیدکن، معاون پژوهشی مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی
پست الکترونیک: sefidkon@rifr-ac.ir

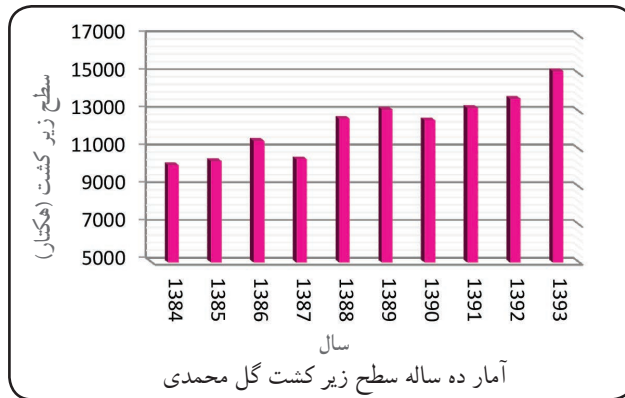
سطح زیر کشت گیاهان دارویی و معطر

به روش‌های افزایش تولید در واحد سطح است که فقط از طریق انجام تحقیقات مرتبط می‌تواند صورت گیرد. حمایت از تحقیقات کاربردی و بررسی انواع روش‌های به‌زراعی و به‌نژادی برای افزایش تولید در واحد سطح نیز باید در دستور کار جدی مسئولان و دولتمردان قرار گیرد.

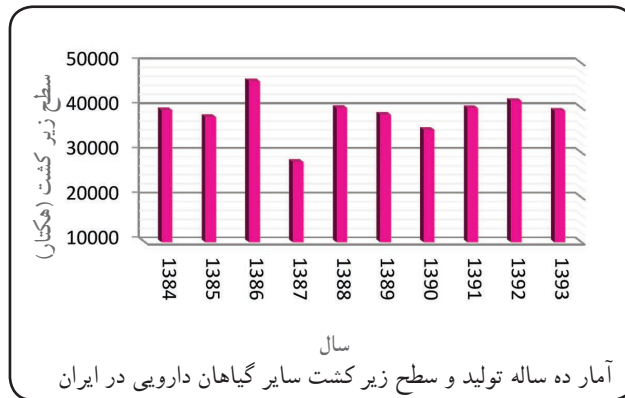
آسیا به‌عنوان وسیع‌ترین قاره جهان یکی از بزرگ‌ترین مناطق تنوع زیستی در دنیا است که بیشترین تنوع گیاهی به‌ویژه در مناطق گرمسیری و نیمه‌گرمسیری را دارد. ایران نیز از تنوع زیستی و اقلیمی قابل توجهی برخوردار است، به‌نحوی که ۸ هزار گونه گیاهی دارد که حدود ۲ هزار و ۳۰۰ گونه آن دارای خواص دارویی، عطری، ادویه‌ای و آرایشی-بهداشتی است. با این وجود تعداد گیاهانی که برای بهره‌برداری و مصرف، مورد کشت و کار قرار می‌گیرند به زحمت به ۱۰۰ گونه می‌رسند و بسیاری از گیاهانی که جایگاهی در صادرات یا تولید و مصرف در کشور دارند همچنان از رویشگاه‌های طبیعی برداشت می‌شوند.



بر اساس آمارهای رسمی کشور، از مجموع حدود ۱۴۵ هزار هکتار سطح زیر کشت گیاهان دارویی در سال ۱۳۹۳، زعفران با سطح زیر کشت حدود ۸۸ هزار هکتار و تولید بیش از ۲۸۰ تن در صدر قرار دارد. پس از زعفران، زیره سبز در رتبه دوم قرار دارد که در سطح حدود ۱۷ هزار هکتار کشت شده و بیش از ۱۲ هزار تن تولید داشته است. سطح زیر کشت گل محمدی هم بیش از ۱۵ هزار هکتار با تولید بیش از ۲۷ هزار تن بوده است. سطح زیر کشت سایر گیاهان دارویی هم حدود ۴۲ هزار هکتار با میزان تولید بیش از ۱۰۰ هزار تن، بوده است. عمده محصولات تولیدی سایر گیاهان دارویی عبارت از گشنیز، حنا، وسمه، رازیانه و گل گاوزبان است. بر اساس آمارهای غیررسمی سطح زیر کشت زعفران در سال ۱۳۹۵ به ۹۵ هزار هکتار و سطح زیر کشت گل محمدی نیز به ۱۷ هزار و ۵۰۰ هکتار افزایش یافته است.



قابل ذکر است که با توجه به تعریف ارائه شده از گیاهان دارویی در همین ستون از شماره قبلی «طبیعت ایران»، این آمارها در مورد سطح زیر کشت گیاهان دارویی ناقص است. این موضوع بار دیگر لزوم یک تعریف جامع از گیاهان دارویی و معطر را که در همه زمینه‌ها مورد استفاده قرار گیرد، مشخص می‌کند.



متأسفانه در ۲ دهه گذشته با بررسی آمار و اطلاعات سطح زیر کشت و تولید زعفران در کشور، مشاهده می‌شود که با افزایش سطح زیر کشت از حدود ۱۸ هزار هکتار در سال ۱۳۷۰ به ۸۸ هزار هکتار در سال ۱۳۹۳، میانگین تولید در واحد سطح از حدود ۵ کیلوگرم در هکتار به ۳/۷ کیلوگرم تنزل یافته است. همچنین از طرفی با توجه به اینکه حدود ۸۰ تا ۸۵ درصد محصول زعفران به خارج از کشور صادر می‌شود، تولید محصول ارزان قیمت و رقابت‌پذیر از مهمترین شاخصه‌های این محصول به‌شمار می‌رود. بنابراین با توجه به خشکسالی‌های اخیر و کاهش منابع آبی مهمترین راهکار برای کاهش هزینه‌های تولید، دستیابی